■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۶۴ ■ سه‌شنبه ■ ۸ تیر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۸ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۵ | اذان صبح فردا ۴/۰۵ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

سخن روز

امام صادق علیه السلام: درباره مکارم اخلاق سؤال شد، فرمودند: گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، عطا به آن کس که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگرچه بر ضد خودت باشد. [معانی الاخبار، ص۱۹۱، ح۱]

اردوان جعفریان: رایزنی برای حضور گروه‌های شرکت‌کننده خارجی را شروع کرده‌ایم

رایزنی برای حضور گروه‌های شرکت‌کننده آغاز شده، که در وجوه مختلف آن قابل بررسی است. که اولین بعد آن به ارتقای وضعیت سلامت جامعه بازمی‌گردد. اگر بتوان به کمرنگ شدن شیوع بیماری امیدوار بود، آنگاه دعوت از گروه‌های خارجی برای اجرای زنده در حضور تماشاگران با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در اولویت قرار خواهد داشت. در این شرایط قطعاً دعوت از هنرمندان و گروه‌های معتبر شناخته شده و صاحب سبک یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما خواهد بود. اولویت بعدی ما هم به طور حتم براساس ماجرای کرونا برنامه‌ریزی می‌شود و برای اجراهای آنلاین در راستای حفظ سلامت جامعه است.

مسئول کمیته امور بین‌الملل سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر از نحوه برنامه‌ریزی و دعوت گروه‌های خارجی شرکت‌کننده با مهر سخن گفت.

دیگران که قدرت ندارند می‌آفرینند.
من احتیاج به آفریدن اثر ندارم.
من زندگی می‌کنم.

کتاب کالیگولا
نویسنده: آلبر کامو
ترجمه: ابوالحسن نجفی

نـــگاره
ایمان نوری نجفی

روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

محمد احصایی؛ پادشاه اقلیم نقاشیخط

یادداشت

افسانه پرچکانی
روزنامه‌نگار

چند قدم آن‌طرف‌تر از کاخ پاسال در خیابان جردن تهران، پادشاهی در اقلیم هنر مشغول آفرینش است که آوازه شهرت مخلوقاتش از تهران و ایران و آسیا فراتر رفته و امضایش را به‌عنوان هنرمندی بی‌مانند به جهانیان شناسانده است. بیش از هر زمانی، نامش در سال ۱۳۸۶ مطرح شد؛ وقتی که اثرش در حراجی سادبیز لندن به فروش رفت؛ آن‌هم به‌عنوان بالاترین نرخ اشیای حراجی این نگارخانه. محمد احصایی بدون شک پادشاه اقلیم نقاشیخط است؛ البته اقلیمی که حرف و حدیث درباره گستره‌اش، بسیار و حتی نام نقاشیخط همواره مورد مناقشه بوده اما تأثیرگذاری احصایی بر هنرمندان جهان اسلام انکارناپذیر است. نقاشیخط از دل جنبش سقاخانه بیرون آمد و قبل از سقاخانه هم، هنرمندانی نظیر منصوره حسینی و سیا ارمجانی از خط فارسی در آثارشان استفاده کرده بودند اما اغلب این هنرمندان بویژه هنرمندان سقاخانه که با استفاده از عناصر سنتی و دینی به خلق آثار مدرن می‌پرداختند، به خط هم به‌عنوان یک عنصر سنتی در فرهنگ ایرانی نگاه می‌کردند در حالی که نگاه محمد احصایی به خط متفاوت بود؛ شاید به خاطر مسیری که از کودکی و جوانی طی کرده بود. محمد احصایی در ۸ تیر ۱۳۱۸ در قزوین متولد شد؛ شهری که زادگاه مشهورترین خوشنویسان ایران از میرعماد تا عمادالکتاب است و طبیعی است هنرمندان این شهر در هر رشته‌ای به خوشنویسی توجهی ویژه داشته باشند. احصایی هم در خط و خوشنویسی بویژه در سه خط نستعلیق، ثلث و محقق به استادی رسید اما شغلش بیشتر در ارتباط با گرافیک بود و بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، برای اولین بار گرافیسم خط را در دانشکده هنرهای زیبا آموزش داد. او تدوین برنامه‌های خطاطی رشته گرافیک را هم به‌نام خود ثبت کرد. از سوی دیگر همراهی محمد احصایی با هنرمندان و نقاشان همدوره‌اش در تقویت نگاه هنری او مؤثر بود چنانچه خودش می‌گوید قبل از ورود به دانشگاه، پرویز تناولی، او را به استفاده از ظرفیت‌های خوشنویسی در اشکال تازه ترغیب می‌کند. احصایی توانست با تلفیق خوشنویسی، گرافیک و نقاشی آثاری منحصر به فرد خلق کند؛ مشخصه کلیه آثار نقاشیخط احصایی در دوره‌های مختلف، احترام عمیق وی به خوشنویسی سنتی و در عین حال تلاش همیشگی او برای یافتن افق‌های تازه در شیوه خط نگاری نو است. او زیبایی‌شناسی نهفته در خوشنویسی فارسی را با اصول نقاشی مدرنیستی پیوند می‌زند و ماحصل آن یک سنت‌شکنی فرمالیستی در بافتار خوشنویسی است. توجه و سلیقه خاص احصایی در استفاده از حروف، کلمات و ترکیب‌بندی‌های رنگارنگ در طول نیم قرن، او را فراتر از یک خوشنویس معاصر بلکه به یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ هنر ایران بدل کرد. اغلب آثار احصایی نوعی نقاشی آبستره خطی هستند که اجزای آن را حروف، کلمات و سطور نوشتاری غالباً ناخوانا شکل می‌دهند اما در برخی آثار، احصایی رویکردها و علایق پست‌مدرنیستی خود را به نمایش گذاشته و از تکنیک عمق‌نمایی و حجم بخشیدن به نوشته‌ها فاصله گرفته و بر جنبه مفهومی آثار، تأکید بیشتری داشته است. همچنان که برخی آثار او در زمره آثار مینیمالیستی و کمینه‌گرا قرار می‌گیرند چرا که هنرمند از پیچیدگی‌های آثار قبلی فاصله می‌گیرد و با نوعی پالایش بصری در آثارش، به سمت سادگی شکلی و در عین حال پیچیدگی مفهومی حرکت می‌کند و از رویکرد تکرار عناصر که از خصایص هنر مینیمالیستی است، بهره می‌جوید. توجه به شیوه و سیر هنری محمد احصایی در خلق آثارش از این جهت اهمیتی ویژه دارد که نشان می‌دهد هنرمند به کشف ساحت‌های جدید دست زده و پا به پای تحول هنر معاصر حرکت کرده و در دوره مدرنیسم باقی نمانده است. این زیست هنرمندانه محمد احصایی است که او را به جایگاهی یگانه رسانده است. اگر هنر را نمایش جهان‌بینی هنرمند بدانیم، سیر آثار احصایی گویای پایبندی و مقید بودن او به هنر است. او می‌گوید: «باید بفهمیم که هنر یعنی چه. هنر به وجود انسان، به فرهنگ، هویت، قلب پاک، آزادی و حس آزادی کامل بستگی دارد.» «باید قوانین هنرمند شدن را بدانید و به آن مقید و مؤمن باشید. یکی از این قوانین آزادی است؛ آزادی نسبت به آنچه که از آن فهم پیدا کرده‌اید.» او خود به قوانین هنرمندی مؤمن است. آثارش حس آزادی کامل و مسئولیت‌پذیری بالای او را نشان می‌دهد چه آنکه اگر این آزادی و مسئولیت‌پذیری را نداشت ممکن بود در تکرار آثار موفق پیشین خود که شهرت جهانی یافتند، اسیر شود و در دام تکرار خود بیفتد؛ آفتی که در برخی هنرمندان نقاشیخط مشاهده می‌شود. مطالعه زندگی استاد احصایی نشان می‌دهد که او به سلامت ذهن، پاکی روح و سلامت اقتصاد هنر بشدت پایبند است و اگرچه خود را از تجربه‌های عینی زیستی و حضور در جامعه محروم نمی‌کند اما بشدت از حواشی پرهیز دارد. این زیست هنرمندانه و تعلق خاطر به فرهنگ پیرامونی در عمق جان آثار احصایی نشسته و او را صاحب زبانی متمایز در آثارش کرده که در چهارسوی جهان فهم و درک می‌شود. جمله تأمل‌برانگیز محمد احصایی که «هنر را نمی‌توان یاد داد»، حکایت از آن دارد که در قاموس احصایی هنر را نباید و نمی‌توان در فرم، مهارت، تکنیک‌های هنری و تکرار فرم‌های پیشینیان خلاصه کرد بلکه نیازمند جوششی درونی بر مبنای جهان بینی فردی هنرمند است.

زادروزش بر هنردوستان مبارک.

منابع:
۱- رشد آموزش هنر، مصاحبه با محمد احصایی، زمستان ۱۳۹۲
۲- حمید کشمیرشکن، کنکاشی در هنر معاصر ایران، نشر نظر، ۱۳۹۶
۳- علیرضا سمیع آذر، زایش مدرنیسم ایرانی، نشر نظر، ۱۳۹۶

صدای هنرمندان پیشکسوت دوبله خود نشان هنری است

یادداشت

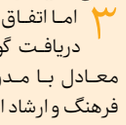

محمود قنبری
دوبلور پیشکسوت

۱ در این روزهای کرونایی هفته‌ای یک روز کار می‌کنم. حالا که واکسن کرونا زده‌ام خیالم آسوده‌تر شده است. اما باز هم هفته‌ای یکبار فیلم دوبله می‌کنم. و بقیه کار دوبله را به جوان‌ها سپردم که آینده کار دوبله را ادامه می‌دهند. در این وضعیت کرونا که همه چیز به هم ریخته است، اما من به آینده جوان‌ها و کارشان در دوبله امیدوار هستم.

۲ باید بگویم که در شرایط کرونا و این روزها به همت شبکه‌های خانگی و سایت‌هایی مثل فیلیمو، نماوا و... خیلی بهتر شده است. فیلم، سریال و انیمیشن‌های زیادی دوبله می‌شوند و به همین دلیل کسب‌وکار صداپیشگان هم بهتر از قبل دوران کروناست. اما متأسفانه به خاطر شرایط کرونا برخی از همکاران و دوبلورهای پیشکسوت را به خاطر بیماری کرونا از دست دادیم و جای خالی آنان هرگز پر نمی‌شود. دعا می‌کنم که هنرمندان و مردم عادی از این بحران به سلامت عبور کنند. با اینکه دوبله در این روزگار رونق دارد اما شرایط کار کردن سخت شده است چرا که دوبله یک صحنه نمایش است که باید همه گویندگان کنار هم باشند و بده‌بستان کلامی و اجرایی داشته باشند، امری که به‌خاطر رعایت شرایط بهداشتی امکان‌پذیر نیست. وقتی دوبلورها تک‌تک به اتاق دوبله می‌روند و هرکس جملات خود را می‌گوید، کار و صداگذاری از آن حس و حال در می‌آید. امیدوارم هرچه زودتر این بیماری از بین برود و اوضاع دوبله به روزهای طلایی گذشته‌اش یعنی سال‌های قبل بازگردد.

۳ اما اتفاق خوب این روزها برای من دریافت گواهینامه درجه یک هنری معادل با مدرک دکترای هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که بعد از سالیان طولانی کار کردن در حوزه دوبله، همین‌قدر که به فکرم بودند و نشان درجه یک هنری به من اهدا کردند، باز هم ممنونم. البته بعد از شصت و اندی سال کار کردن در این حوزه دادن نشان هنری کمی دیر است چرا که ما دیگر در سراشیبی زندگی به سر می‌بریم. باید بگویم که خود صدای ما نشان است. زمانی که با مردم مواجه می‌شویم و با آنها صحبت می‌کنیم، آنها می‌گویند با صدایتان خاطره داریم. مردم پاسخگوی این صدا هستند.

۴ طی این سال‌ها فیلم‌های بسیاری دوبله کردم. مثل «دانتون»، «غلاف تمام فلزی» و خیلی فیلم‌های دیگر. فیلم «دانتون» بسیار فیلم سختی بود، چرا که دیالوگ‌های آن را خودم از ابتدا تا انتها نوشتم. فیلم «افسانه سیاوش» ساخته «بوریس کیمیاگرف» فیلمساز شوروی را با اشعار فردوسی و نثر خودم تلفیق کردم و نوشتم. دیالوگ‌های فیلم اصلاً به درد نمی‌خورد و کلاً مغایر شاهنامه بود. کارگردان فیلم از شاهنامه دور شده بود. ما هم از تصاویر فیلم استفاده کردیم و داستان سیاوش شاهنامه روی آن پیاده شد. برای اولین بار در تاریخ دوبله جهان منظوم و منثور را با هم می‌بینید. شعر و نثر را. دیالوگ‌نویسی این کار یک‌سال زمان برد و بعد هم مونتاژ شد. این اثر یکی از کارهایی است که برای من بسیار لذت‌بخش است و یادگاری است. من اشعار فردوسی را در دهان هنرپیشه روس جای دادم. خیلی کار سختی بود. اما چون با عشق کار کردم نتیجه‌اش لذت‌بخش بود و پاسخش را هم مردم دادند. این کار را سال ۶۰ دوبله کردم و همان زمان یکی از پربیننده‌ترین آثار سینمایی بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: سواد آبی را باید شکل داد

فرهنگ

گروه فرهنگی/ روز گذشته سیدعباس صالحی در اولین جلسه کارگروه ملی برنامه ترویج فرهنگ بهینه مصرف به بیان ارتباط میان حوزه فرهنگ و آب از نگاه عمومی، دینی، اقتصادی و محیط‌زیستی پرداخت. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن گرامیداشت یاد

شهدای هفتم تیر اظهار داشت: یکی از رویکردهای ما در این دوره از شورای فرهنگ عمومی کشور بررسی دغدغه‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت ستادی و استانی این شورا برای حل مشکلات بوده است. وی موضوع آب و مصرف آن را بسیار مهم خواند و گفت: با توجه به اینکه انسان‌ها در سه چیز مشترک هستند که یکی از آنها استفاده از آب است، بنابراین باید قواعد حقوق عمومی را برای آب منظور کرد.

صالحی به اسراف در ادبیات دینی اشاره کرد و این موضوع را بین فقهای شیعه و سنی و تمام فرقه‌ها موضوعی مهم خواند: «حوزه آب در قرآن و احادیث، ادبیات محکم‌تری دارد تا جایی که اسراف جزو گناه‌های کبیره محسوب می‌شود، در همین راستا خوانده‌ایم که روزی پیامبر اکرم(ص) به هنگام دیدن وضو گرفتن یکی از اصحاب که آب زیادی مصرف می‌کرد، فرمود: اسراف در وضو هم حرام است. بر این اساس حتی اگر فراوانی آب را هم داشته باشیم حق اسراف آن را نداریم.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی دریچه سومی را که باید به آن در حوزه آب نگاه کرد حوزه اقتصاد دانست و گفت: در صنعت، کشاورزی، ابزارآلات و... آب یک منبع حیاتی است، توسعه پایدار به آب و درست مصرف کردن آن متصل است، اگر نگاه اقتصادی به کشاورزی و صنعت داریم باید به مصرف درست آب توجه کنیم.

صالحی اعلام کرد که نگاه ما به طبیعت یک نگاه امانت‌داری است: در بخش دیگری باید به موضوع آب از نگاه محیط‌زیست اشاره داشت، آب هم به عنوان آلودگی‌هایی که می‌تواند برای محیط‌زیست داشته باشد و هم از زاویه خشکسالی که می‌تواند ایجاد کند بسیار اهمیت دارد، حوزه حفاظت از محیط‌زیست با فرهنگ مناسبات زیادی دارد. وی افزود: هریک از این دریچه‌ها یعنی نگاه عمومی، دینی، اقتصادی و محیط‌زیستی به آب ارتباطات زیادی را بین فرهنگ و این حوزه ایجاد می‌کند. بنابراین یک سند جامع در همین راستا تنظیم شده است، در این سند دو هدف به عنوان چشم‌انداز در نظر گرفته شده است، ابتدا سواد رسانه‌ای را به خاطر کثرت اطلاعات مد نظر قرار دادیم که یک نیاز است، سواد آبی در قالب کم‌آبی باید مطرح شود، ادبیات سواد آبی را باید شکل داد که در این سند هم درج شده است، هدف دوم هم ایجاد احساس مسئولیت همگانی در قبال موضوع آب است.

#موج_پنجم_کرونا

شهروند مجازی

یگانه خدامی

هشتگ

زنگ خطر ورود به موج پنجم کرونا به صدا درآمده است و اثر این هشدارها را در شبکه‌های اجتماعی هم می‌بینیم. تعداد کاربرانی که از ابتلای خود یا خانواده‌شان به کرونا می‌نویسند بسیار بیشتر شده و از طرف دیگر کاربران زیادی هم درباره شیوع کرونای دلتا در سیستان و بلوچستان و شرایط سخت این استان می‌گویند: «اوضاع کرونا در سیستان و بلوچستان فاجعه‌ست. دو هفته است ظرفیت تخت‌های بیمارستانی پر شده و روند مرگ و میر و ابتلا همچنان صعودیه. میگن ویروس دلتا عامل این فاجعه است. ویروسی که از همه انواع مسری‌تره و بابتش هشدار داده بودن.»، «بیمارستان ما هم دیروز دوباره یک بخش رو خالی کردند تا بیماران کرونایی بستری کنند.»، «سیستم قرنطینه یا همون لاک دون به‌صورت طبقاتی و منطقه‌ای اینجا عمل می‌کنند. مناطق حاشیه‌ای یا به عبارتی پایین شهر اصلاً نظارتی در آنها نیست و ازدحام هر روز بیشتر و بیشتر می‌شه مخصوصاً مناطق اطراف بازار مشترک و کوثر.»، «کرونای هندی در سیستان و بلوچستان داره قتل عام می‌کنه»، «اگر طی چند روز گذشته خودتان و اطرافیانتان به‌صورت زنجیره‌ای علائم گوارشی مثل اسهال، دل پیچه و استفراغ دارید به احتمال خیلی زیاد مبتلا به کرونا شده‌اید. این روزها تعداد بیماران سرپایی با این علائم که گاهی PCR مثبت هم دارند به‌طرز بهت‌آوری افزایش یافته است. موضوع را جدی بگیرید.»، «پدر من با علائم دل‌پیچه و اسهال و درد شدید معده تستش مثبت شد و مشخص شد ۱۰ درصد ریه‌ش درگیر شده. حالا زیر اکسیژن در بیمارستان بستری است چون بیماری خونی هم دارد»، «من به‌عنوان پزشک اورژانس این روزها تقریباً فقط بیمار با این علائم رو ویزیت می‌کنم. به‌صورت وحشتناکی زیاد شده چون نه آزمایشگاه درست و حسابی در اختیار داریم و نه تست‌های pcr و هیچکدوم دلایلش معلوم نیست. نکته دیگه اینکه تعداد کودکان با این علائم واقعاً قابل توجهه.»، «تو گروه دوستام در ادامه بحث موج دوباره کرونا و بی‌واکسنی، یکی ابراز ناامیدی کرده که یعنی یه روزی تموم می‌شه این داستان؟ اون یکی از سوئد گفته اینجا که نرمال داره می‌شه وضعیت و بیش از شصت درصد واکسن زدن. بعد اون دوست نگران هم تشکر کرده بابت اطلاعات امیدواری‌دهنده.»، این کاملاً نشون می‌ده که ایران وضعیتش این روزها چطوره! به جای اینکه هر گروه روی یک موضوع خاص تمرکز کنه، همه موازی باهم یک کار رو انجام می‌دن و بقیه کارها باقی می‌ماند.»

فصلی که با «جدایی» شروع شد

سایه روشن

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

«جدایی نادر از سیمین»، فیلم محبوب و ستایش شده اصغر فرهادی، تنها یک نقطه عطف در کارنامه سازنده‌اش نیست. فرهادی با «جدایی...» تاریخ سینمای ایران را به قبل و بعد از این فیلم تقسیم کرد. او، اسکار را که آرزویی دست‌نیافتنی محسوب می‌شد به ویترین افتخارات سینمای ایران (یکی از مهم‌ترین سینماهای جهان و معتبرترین سینمای آسیا) اضافه کرد.

«جدایی...» در این سال‌های پس از اسکار، در این روزها که خالقش به چهره‌ای کاملاً بین‌المللی تبدیل شده، همچنان دیده و نقد و بررسی شده است. سینماگران بسیاری در داخل ایران، پس از موفقیت «درباره الی» و «جدایی...» در جشنواره‌های مختلف و نظرسنجی‌ها، تحت تأثیر فرهادی به سمت درام‌های اجتماعی با پایان‌های باز گرایش پیدا کردند. اگر در دهه هفتاد، موجی از سینماگران تحت تأثیر عباس کیارستمی به سینمای ضد قصه و سینمای بدون بازیگر حرفه‌ای گرایش پیدا کردند؛ با فرهادی و «جدایی» سینمای حرفه‌ای و قصه‌گوی ایران صاحب ارج و قرب شد. جشنواره‌های خارجی و تماشاگران ایرانی هم پذیرفتند که ایران، طبقه متوسط و زندگی شهرنشینی و بحران‌های یک جامعه رو به توسعه را دارد و همه ماجراهایش در روستاها و میان معلولان و فقرا، روایت نمی‌شود.

فرهادی، حق بزرگی به گردن سینمای ایران دارد. او و فیلم‌هایش تصویری که از جامعه ایرانی، بیرون از این مرزها و به‌دلیل فیلم‌هایی که در جشنواره‌ها نمایش داده می‌شد (رنگ خدا، طعم گیلاس، بچه‌های آسمان، بادکنک سفید و...) شکل گرفته، تغییر داد و آن را به واقعیت نزدیک کرد. حتی توانایی‌ها و کیفیت فنی سینما و سینماگرانش را به مخاطب غیرایرانی، نشان داد.

به تازگی «جدایی» در روزنامه امریکایی اسپوکزمن-ریویو که سومین روزنامه پرمخاطب واشنگتن است، در کنار فیلم‌هایی از اینگمار برگمان و آکیرا کوروساوا معرفی شده و به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر سینمای جهان، ستایش شده است. حالا باید گفت «جدایی»، یک دهه پس از تولید و موفقیتش در اسکار، به یک اثر ماندگار و در تراز جهانی تبدیل شده و مانند هر اثر باارزشی، همچنان قابل بررسی و خوانش‌های تازه است.

«جدایی» قصه خانواده‌ای است که متلاشی می‌شود، مادر در اندیشه مهاجرت است و پدر سعی می‌کند او را به ماندن ترغیب کند. با مرگ پدربزرگ و جدی شدن عزم مادر برای رفتن، به نظر می‌رسد همه تلاش نادر (پیمان معادی) برای حفظ خانواده و تسلیم نشدن به مهاجرت و غربت، ناکام مانده است. دوراهی پایان فیلم، دوراهی که ترمه (سارینا فرهادی) بر سر آن ایستاده، شاید امروز جدی‌تر و عمیق‌تر شده است. با گسترش موج مهاجرت در سال‌های اخیر و با سفر بسیاری از جوان‌ها از ایران، قصه «جدایی نادر از سیمین» کارکردی تازه پیدا کرده است. فیلم درخشان فرهادی، پیشگویانه از ویران شدن نهاد خانواده و غربت‌نشینی خبر داده بود. از فراموشی و نادیده گرفتن ارزش‌هایی که روزگاری خانواده ایرانی بر آن بنا شده است. «جدایی...» به اندازه زندگی پیچیده است، پر از شخصیت‌هایی خاکستری و مشکلاتی که به سادگی نمی‌توان نادیده گرفت یا آنها را حل کرد. «جدایی» امروز و در تماشای دوباره، علاوه بر آنکه جذاب و دیدنی است، تلخی مضاعف دارد. آنچه فیلمساز پیش‌بینی کرده، امروز به سرانجام رسیده است.

انتشار الکترونیکی مقالاتی درباره شمس و مولانا

پیشنهاد

محمد غریب
نویسنده

همایش بین‌المللی شمس و مولانا هر سال، در خوی برگزار می‌شود و محققان و مولاناپژوهان در این همایش ضمن ایراد سخنرانی، مقالات و پژوهش‌های خود را به این کنگره و حضار ارائه می‌دهند که بسیاری از آنها حاوی نکته‌ها و رهیافت‌هایی بسیار مهم برای علاقه‌مندان به این حوزه است. چندی پیش هم نسخه الکترونیکی کتاب مجموعه مقالات پنجمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا که حاوی مقالات و سخنرانی‌های علمی پنجمین همایش بین‌المللی شمس و مولاناست و هفتم و هشتم مهر ماه سال ۱۳۹۸ در شهرستان خوی، دارالقرار شمس تبریزی برگزار شد، روی خروجی سایت دبیرخانه این همایش قرار گرفت. در این همایش ۱۶ نفر از استادان و پژوهشگران برجسته داخلی و خارجی سخنرانی داشتند و یک مقاله برای ارائه و ۴۵ مقاله برای چاپ توسط هیأت علمی انتخاب شده بود که مجموعه آنها در ۳ جلد الکترونیکی تدوین و گردآوری شده است. این کتاب با همکاری انتشارات شعر سپید آماده انتشار شده و خانم‌ها مریم شهامتی و فاطمه رحیم‌لو کار ویراستاری آن را عهده‌دار بودند و طراحی روی جلد این کتاب توسط صابر عباسی اقدم و صفحه‌آرایی آن را فاطمه رحیم‌لو انجام داده است. یادآوری می‌شود پنجمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا توسط تولیت شمس تبریزی و با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با دبیری علمی مریم عاملی رضایی در شهرستان خوی برگزار شد و افسرالملوک ملکی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و آقایان امیر هنرور، دکتر سیدحسین حسن‌زاده و مرتضی برین از گروه‌های تحقیق و پژوهش و امور بین‌المللی تولیت شمس تبریزی نیز در تدوین و آماده‌سازی این کتاب همکاری صمیمانه‌ای داشتند. علاقه‌مندان می‌توانند نسخه الکترونیک این کتاب را از سایت تولیت شمس تبریزی به نشانی http://shamstabrizi.ir و در قسمت مقالات دریافت کنند.

عکس نوشت

خبرگزاری ایسنا، گزارشی از مجسمه‌های بوستان‌های تهران منتشر کرده و پارک ملت را یکی از بوستان‌هایی نام برده که مجسمه‌های زیادی دارد. یکی از مجسمه‌ها که سال ۱۳۸۸ از فلورانس ایتالیا به پارک ملت تهران آمد، مجسمه امیرکبیر ساخته فریدون صدیقی است که یکی از مهم‌ترین آثاری است که در این فضا وجود دارد که از نظر ارزش هنری، قابل تخمین نیست.